برای موافقی روش خویش بر مخالف طریق خود جایز است ولهذا اکثر همه اهل هوا در شریعت میشوند الا خطابیه علی را اکبر دانند جعفر صادق را
اله اصغر سیم سبائیه اصحاب عبدالله سبا که مشافهه با علی گفت انت اله و علی بقتل وی حکم فرمود و او فرار نموده بمداین رفت
بعد از شهادت آنحضرت اظهار این طریقه کرد چهارم علیائیه اتباع علیاء اسدی که علی را بر همه انبیا ترجیح میکنند پنجم کاملیه اصحاب ابی کامل
که تارکان بیعت علی را تکفیر کنند ششم کیالیه تابعان محمد کیال اند و سخنان ایشان بمیزان عقل سنجیده نیست هفتم مغیریه اتباع مغیرة
عجلی منصوریه اشیاع منصور عجلی این هر دو گروه در قول هم نزدیکند لاجرم ایشان را یک فرقه میشمارند هشتم نعمانیه محمد نعمانیه
که رئیس ایشان بود و ملقب بشیطان طاق نهم یونسیه اشیاع یونس قمیند و از مشبهه نزدیکست دهم جبریه قائلند بدانکه بنده را
هیچ قدرت و استطاعت نیست و اینجا جبریه خالصه اند و بعضی اثبات قدرت میکنند اما تاثیر بران مرتب نمیدارند و ایشان
سه فرقه اند اول جهمیه اصحاب جهم بن صفوان و او جبری خالص است دوم نجاریه اصحاب حسن نجار و او در بعضی رسایل تابع امام حسن اشعری است
سیم ضراریه و کلمات ایشان بتعطیل می انجامد چهارم مرجیه گویند با ایمان معصیت زیان ندارد چنانچه با کفر طاعت سود نکند
و بر صاحب کبیره در دنیا حکم بهشت و دوزخ نکنند و مرجیه قدریه هستند و مرجیه جبریه و مرجیه خوارج و مرجیه خالص بحث ما در مرجیه
خالص است و ایشان شش گروهند اول یونسیه منسوب بابی معاذ تومنی دوم ثوبانیه منتسب ثوبان مرجی سیم صالحیه
اتباع صالح بن عمر اند و او میان قدر و ارجا جمع کرده چهارم غسانیه غسان کوفی میگوید ایمان زیاده شود و کم نه پنجم
عبید مکتب اند ششم یونسیه اصحاب یونس نمیری گوید سبب دخول بهشت اخلاص و محبتست نه طاعت و عبادت اما خوارج
او را گویند که بر امام بحق بیرون آید و علما وعیدیه که تکفیر صاحب کبیره کنند و تخلید ایشان در دوزخ قائلند هم داخل خوارج میدانند
جمله اتفاق درین مسایل اعتقاد خوارج بهر دو اما و چنانچه پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم اعنی مرتضی و ذوالنورین رض هیچ نیست و تکفیر
ایشان و بسیاری از صحابه و انکار بر دین میکنند و سخنان ایشان لایق آن نیست که قلم را بتسطیر آن تصدیع کنند ایشان
بیست و دو فرقه اند ما از ذم محکمه اولی و ایشان آن جماعت اند که در مکه بر امیر المؤمنین علی بیرون آمدند و بحرب وی از حرورا ان
جمع شدند چون عبدالله راسبی و ذوالندیه و اشباع ایشان اول ازارقه اتباع ابی ازرق و ایشان عایشه را با عثمان
و علی و طلحه و زبیر و عبدالله عباس تکفیر کنند دوم نجدیه منسوبند با نجدة بن قیس سیم اباضیه اصحاب عبدالله بن اباض چهارم
بیهسیه اشیاع بیهس بن هیصم پنجم اهل اطرافیه که اهل اطراف را معذور دارند در ترک آنچه نمیدانند از شریعت ششم
اصحاب نجدة بن عامر الحنفیه اند حازمیه منتسب اند بحازم بن عاصم هفتم خلفیه متابع خلف بن عمرو وی اند از خوارج کرمان هشتم
حفصیه متابعان حفص بن مقدام ثعالبه اصحاب ثعلبة بن عامر اند نهم شیبانیه شیبان بن سلمه که رئیس ایشانست
با نصر سیار که والی خراسان بود در زمان مروانیه یاغی شد دهم صلتیه اصحاب عثمان بن ابی الصلت یازدهم صفویه زیاد بن
نیز گویند اصحاب زیاد اصفر اند دوازدهم عجارده اصحاب عبد الکریم عجرد سیزدهم میمونیه اشیاع میمون بن خالد چهاردهم
شعیبیه تابع شعیب بن محمد اند پانزدهم رشیدیه رشید طوسی در آنچه از کاریز آب خورد عشر مقرر کرده و ثعالبه نصف عشر

لعینی

تعیین کرده بودند بدین جهت این قوم را عشیریه نیز شمارند شانزدهم یزیدیه متابع یزید بن انیس اند هفدهم معبدیه رئیس ایشان معبد خارجی
بوده هژدهم معلومیه و مجهولیه سخنان واصل بن اهل اند و مجموع اینها که مذکور شد هشتاد و دو فرقه اند از اهل اصول ارباب اصول
دو قسمند اهل اصول که بنای احکام ایشان بر نصوص شد و ایشان حجازیانند اصحاب مالک بن انس و محمد بن ادریس الشافعی ارباب
رای که مدار اعتنای ایشان بر تحصیل وجه قیاس است و معانی مستنبطه از احکام و ایشان عراقیانند و اصحاب ابو حنیفه نعمان
بن ثابت و متابعان او چون محمد بن حسن و حسن بن زیاد و ابو یوسف قاضی و زفر و هذیل و بدانکه غیر هشتاد و دو گروه که فرقه
دیگر اند که ایشان را اهل سنت و جماعت خوانند در اصول متابع اثنی عشریه اند و در فروع بیکی از مذاهب اربعه حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی
عمل میکنند بحکم حدیث که فرقه ناجیه بر راه من و یاران منند روش اینطایفه بفوز و فلاح اقربست ایشان را نجات بهشت
دادن اولی چه مدار کار این جماعت که منسوبند بشرف سنت بمتابعت حضرت خیر البریات علیه افضل الصلوة بر اتباع اهل
بیت بزرگوار و صحابه اخیار و ابرار اوست که آنحضرت فرمود مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح در نجاح و نجاتند و اینها بر درجات اصحابی
کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم جهت هدایت اهل دین و دیانت کواکب رشاد و فلاح پس این گروه در صراط مستقیم اعتدال ثابت
شده و از طرفین افراط و تفریط که فرق مذکوره را در هر جانب هست متجنب اند و محبت خدا و رسول خلفا و اهل بیت بر وجهی که موافق
شریعت غرا باشد منتسب لوح عقیده را از لوث تعصب شست و شوی نموده اند و از تنگنای تقلید محض بتماشا گاه تحقیق خرامیده
سیر فرموده اند بیت ز تقلید و تعصب بر طرف باش ✦ ز لوح دل خیال هر دو بتراش ✦ تعصب از هوای نفس خیزد ✦ ز تقلید آبروی
خلق ریزد ✦ تعصب سالکان را بند راه است ✦ ره تقلید هم راه تباه است ✦ خدایا نفس سرکش را زبون کن ✦ تعصب از نهاد
ما برون کن ✦ ره تحقیق بنما سوی توحید ✦ رهایی بخش از زندان تقلید ✦ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اصل سابع در بیان بعضی از منح و حقایق که آیه هفتم بران مشتمل است قال تعالی غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
چون کاملترین نعمتها نعمتیست که از منعم علیه منسوب نگردد و پیوسته ازان متمتع و بهره مند باشد لاجرم عنایت ازلی تلقین
میفرماید که بعد از انکه راه منعم علیهم که طریق آشنایانست استدعا نمودید دیگر باره بزبان تضرع از نادی توفیق می
درخواهید که نعمت بر شما تمام کرده اند با انکه شما را از روش بیگانگان نگاه دارد یعنی از آشنایی به بیگانگی نیفکنند
و از سرچشمه زلال وصال ببادیه هجران و حرمان نیندازد شعر ز وصل و جدایی کسی کی توان کرد ✦ پس از شاهی گدایی چون
توان کرد ✦ در تفسیر قرطبی مذکور است که بندگان را تعلیم میدهد چنانکه درخواست کردند که مارا گمراه مکن قال تعالی رَبَّنَا
لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا چو قفل ضلالت و کلید هدایت بقبضه قدرت و ارادت اوست همان مشا که بظهور نور توفیق
از مطلع يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ تابانست و فرع ظلمت خذلان نیز از افق يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ در حیز امکانست و اگر خواهد سینه
پوشانیده غفلت را بشعله آتش قهاری بسوزد و اگر اراده نماید چراغ تیره درون نوشان با ذلت را بلمعه لطف و پستاری
برافروزد و یک لحظه از جلوه جمال بنده نوازی سیاه گلیمان تاریکی کوه شبهه را در چشمه آب حیات معرفت رسانیدیم

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)